

افزایش قیمت طلا در پی نشانه‌های ضعف اقتصاد آمریکا

قیمت طلا در پی نشانه‌های ضعف اقتصاد آمریکا و افزایش احتمال کاهش نرخ بهره فدرال رزرو، دیروز با رشد ملایم به نزدیکی رکورد اوایل هفته گذشته رسید و چهارمین افزایش هفتگی پیاپی خود را ثبت کرد. به گزارش روتترز، قیمت طلا تا حدود رکورد اوایل هفته گذشته افزایش یافت. نشانه‌های ضعف بازار کار آمریکا، احتمال کاهش نرخ بهره فدرال رزرو را بالا برده و از قیمت طلا حمایت می‌کند. قیمت هر اونس طلا دیروز ۰٫۲۵ درصد افزایش به ۳۶۴۲ دلار و ۱۴ سنت رسید. قیمت معاملات آتی طلا در بازار کامکس نیویورک هم با یک افزایش ۰٫۳۵ درصدی به ۳۶۸۶ دلار و ۴۰ سنت رسید. قیمت طلا ۱٫۷ درصد طی یک هفته گذشته افزایش یافت و چهارمین افزایش پیاپی هفتگی را تجربه می‌کند. بالا رفتن تقاضا برای مزیای بیکاری به‌همراه لیست ضعیف حقوق‌بگیران بخش غیر کشاورزی و ۹۱۱ هزار شغلی که کمتر از سال گذشته ایجاد شده، همگی حاکی از آهسته شدن روند رشد اقتصاد در آمریکاست. به‌علاوه، قیمت‌های مصرف‌کننده در آمریکا بیشترین افزایش را در ماه اگوست طی ۷ ماه گذشته داشته است. سرمایه‌گذاران امابرای تخمین سیاست‌های پولی بانک مرکزی، بیشتر به ضعف بازار کار اهمیت می‌دهند تا بالا رفتن تورم. تاجران حالا کاملاً مطمئن هستند نرخ بهره ۲۵ واحد در اجلاس ۱۷ سپتامبر کاهش می‌یابد. دونالد ترامپ مدت‌هاست فدرال رزرو را برای کاهش نرخ بهره تحت فشار قرار داده و سعی بر تأثیر گذاری در تصمیمات این بانک دارد.

ترامپ تلاش می‌کند لیزا کوک از مقامات فدرال رزرو را از مقام خود برکنار کند. تحلیلگران انتظار دارند قیمت طلا تا اواسط سال آینده میلادی تا ۳۹۰۰ دلار افزایش یابد. قیمت طلا ۳۹ درصد از ابتدای سال جاری میلادی افزایش داشته و معمولاً عملکرد خوبی در فضای نرخ پایین بهره دارد.

طلا همواره یک پشت‌توانه ایمن در زمان تورم بالا و بی‌ثباتی‌های وسیع بوده است. در میان سایر فلزات گرانبها، قیمت نقره با ۱۶۲ درصد افزایش به ۴۲ دلار و ۸۳ سنت رسید و پلاتین با یک افزایش ۰٫۹۲ درصدی ۱۲۹۶ دلار و ۸۹ سنت معامله می‌شود.

■ ■ ■

تصویب استفاده صادر کنندگان از ارز صادراتی برای واردات

معاون وزیر صمت از تصویب استفاده صادر کنندگان از ارز صادراتی برای واردات خبر داد و این مصوبه را گامی مهم در تسهیل تجارت و رفع موانع پیش روی تولید و بازرگانی کشور دانست.

محمدعلی دهقان‌دهنوی، در نشست هم‌اندیشی حوزه تجارت خارجی کشور، با ابراز امیدواری از نتایج این نشست گفت: رویکرد دستگاه قضا به سمتی رفته است که بسیاری از گرهای پیش روی تجارت را باز و مشکلات را رفع می‌کند.

وی با تأکید بر اینکه تجارت برای تولیدنقش پیش‌تزاری و پیش‌فراولی دارد، گفت: سرمایه‌گذاری‌ها در تولیدات باید هدفمند و اصولی انجام شود؛ صادرات کالای مزاد منتهی به جشش صادراتی نخواهد شد؛ از این رو در دهمای اخیر حجم تجارت خارجی از ۶۰ میلیارد دلار عبور نکرد. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده این چرخه معکوس شود به این معنا که تجارت به صنعت و معدن خط بدهد که در کجامتبلور شود و در چه بخش‌هایی سرمایه‌گذاری کند. معاون وزیر صمت با بیان اینکه مبنای تفکر صنعتگر و تولیدکننده باید بر اصول تجارت استوار باشد، اضافه کرد: تجارت، تولید را بالنده و بالارونده می‌کند؛ باید تجارت خارجی را به فرهنگ عمومی در بین تولیدکنندگان بدل کنیم.

به گفته دهقان‌دهنوی، باید فاصله بین سازمان توسعه تجارت ایران و بخش‌های مرتبط استانی کم و سطح روابط متقابل را افزایش بدهیم و این جلسه را می‌توان به عنوان شروع یک بازرفرنی این رابطه تلقی کرد.

وی با تأکید بر بهره‌گیری از موابه استانی برای توسعه صادرات، گفت: در صادرات علاوه بر خلق ارزش افزوده باید در لجستیک و پشتیبانی صادرات در استان‌ها نیز بیندیشیم. در جلسات هم‌اندیشی باید راهکارهای ۲ طرف بیان شود و برنامه‌ها و پروژه‌هایی که می‌توان با تکیه بر آنها صادرات را افزایش داد بررسی و بیان شود.

■ ■ ■

کاهش واسطه‌ها برای توزیع گوشت ارزان تر

یک مسؤول صنفی گفت: مردم باید گوشت را با قیمت واقعی، بدون واسطه و از شبکه‌ای پاسخگو دریافت کنند. انجمن صنفی کارفرمایی توزیع‌کنندگان فرآورده‌های گوشتی خام استان تهران در حال تحولات بنیادینی در ساختار، مأموریت و قلمرو فعالیت خود است؛ طرحی که هدف آن، گذار از توزیع صرف به مدیریت تخصصی زنجیره تأمین و توزیع گوشت در سطح ملی است.

احمد شاد، دبیر انجمن صنفی کارفرمایی توزیع‌کنندگان فرآورده‌های گوشتی خام استان تهران با تشریح ابعاد این تحولات گفت: بازار امروز نیازمند نگاه نو و ساختاری هماهنگ‌تر است. ما به نقطه‌ای رسیده‌ایم که نقش صنف نباید فقط محدود به توزیع باشد. بنابراین توسعه جغرافیای فعالیت از سطح استانی به سراسر کشور و تدوین سیاست‌هایی نو برای مشارکت ساختار در تنظیم بازار از برنامه‌های این انجمن است. وی با بیان اینکه مردم باید گوشت را با قیمت واقعی، بدون واسطه و از شبکه‌ای پاسخگو دریافت کنند، افزود: هیچ نهادی به‌تنهایی نمی‌تواند بار مدیریت بازار را به دوش بکشد. حذف واسطه‌های زائد، مدیریت از تولید داخلی، واردات هدفمند در مواقع لزوم و ایجاد زنجیره‌ای هوشمند و شفاف مأموریت این انجمن است.

به گفته این مسؤول صنفی، حضور رسانه بخشی از تعهد انجمن به پاسخگویی است و شفافه‌ای از بلوغ و دوطرفه و مسؤولیت‌پذیری متقابل خواهد بود.



«وطن امروز» از راهکارهای حفظ و بهبود معیشت دهک‌های پایین جامعه از طریق تأمین کالاهای اساسی گزارش می‌دهد

مأموریت دولت؛ ثبات قیمت

اجرایی، شفاف‌سازی فرآیند تخصیص منابع و نظارت مستمر بر زنجیره تأمین و توزیع است. همچنین استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های هوشمند کالابرگ، می‌تواند به افزایش بهره‌وری، کاهش فساد و هدفمند شدن حمایت‌های دولتی کمک کند.

تأکید بر اصلاحات ساختاری در حوزه تأمین کالاهای اساسی، نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشور است. این رویکرد اگر با اراده اجرایی قوی و مشارکت بخش خصوصی همراه شود، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری‌های معیشتی باشد. درواقع تأمین به‌موقع و کامل کالاهای اساسی به عنوان یکی از اولویت‌های کشور برای مهار اثرات منفی تورم است. ضرورت جلوگیری از گرانی اقلام اساسی مصرف در راستای کمک به حفظ سلامت و تغذیه دهک‌های پایین جامعه است، به همین دلیل اصلاح ساختارهای تأمین و توزیع باید در دستور کار قرار بگیرد.

در این میان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در تأمین کالاهای اساسی، نحوه تأمین ارز برای واردات آنهاست. در حال حاضر بخش قابل توجهی از این کالاها با استفاده از ارز ترجیحی وارد کشور می‌شود. این سیاست، با هدف کنترل قیمت‌ها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر طراحی شده اما در اجرا با چالش‌هایی جدی مواجه است؛ از جمله ایجاد رانت، عدم شفافیت در فرآیند تخصیص و فاصله گرفتن قیمت‌های بازار از نرخ‌های رسمی. همچنین باید تقویت تولید داخلی برای رقابت برابر با کالاهای وارداتی ارانه‌ای اجرا شود.

دولت در سال‌های اخیر تلاش کرده است با تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالاهایی نظیر کنده، روغن، دارو و نهاده‌های دامی، از جهش‌های قیمتی جلوگیری کند. با این حال بتدریج برخی اقلام از شمول ارز ترجیحی خارج شده‌اند و طرح‌هایی مانند کالابرگ الکترونیک برای جایگزینی این حمایت‌ها در دستور کار قرار گرفته است. این تغییر رویکرد نشان‌دهنده حرکت به سوی هدفمند کردن یارانه‌ها و کاهش ناترازی‌های اقتصادی است.

برای اصلاح پایدار در حوزه تأمین کالاهای اساسی،

مجموعه‌ای از سیاست‌های مکمل باید به طور هم‌زمان اجرا شود. نخست، حمایت‌های ارزی باید مستقیماً به مصرف‌کننده نهایی منتقل شود تا از ایجاد رانت جلوگیری و عدالت در توزیع یارانه‌ها برقرار شود. دوم، شفاف‌سازی زنجیره تأمین از طریق سامانه‌های هوشمند می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد کمک کند. سوم، تنوع‌بخشی به منابع ارزی و مبادی واردات، از طریق توسعه روابط تجاری منطقه‌ای و استفاده از ارزهای محلی، پایداری تأمین را افزایش خواهد داد.

در کنار این اقدامات، تقویت تولید داخلی کالاهای اساسی باید در اولویت قرار گیرد. حمایت از زنجیره‌های تولید داخل بویژه در حوزه کشاورزی و صنایع غذایی می‌تواند وابستگی به واردات را کاهش داده و امنیت غذایی کشور را ارتقا بخشد. همچنین اجرای دقیق و هدفمند کالابرگ الکترونیک، مشروط بر برخورداری از زیرساخت‌های فنی و نظارتی مناسب، می‌تواند جایگزینی مؤثر برای ارز ترجیحی باشد و حمایت‌ها را به‌صورت مستقیم و شفاف به دست مصرف‌کننده برساند.

در مجموع، تداوم سیاست ارز ترجیحی بدون اصلاحات ساختاری، نه‌تنها اثربخشی خود را از دست خواهد داد، بلکه می‌تواند به تشدید ناترازی‌های اقتصادی و تضعیف تولید ملی منجر شود. دولت باید با نگاهی جامع و آینده‌نگر، از سیاست‌های حمایتی به سمت سیاست‌های اصلاحی حرکت کند تا تأمین کالاهای اساسی، هم از منظر قیمت و هم از منظر پایداری، تضمین شود و اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی کشور تقویت شود.

■ **دلایل اهمیت تأمین پایدار کالاهای اساسی**

تأمین پایدار کالاهای اساسی در شرایط فعلی، نه‌تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه یک الزام اقتصادی برای حفظ ثبات و جلوگیری از افزایش تورم در اقتصاد ایران است. در دوره‌ای که تورم مزمن، نوسانات ارزی، کاهش قدرت خرید خانوارها و تضعیف تولید داخلی به عنوان چالش‌های اصلی اقتصاد کشور شناخته می‌شوند، تضمین دسترسی مستمر و قابل اتکا به اقلام ضروری، نقش حیاتی در حفظ امنیت غذایی خانوادها ایفا می‌کند.

نخست، کالاهای اساسی مانند نان، روغن، دارو، نهاده‌های دامی



بسیاری از آنها با چالش‌های نقدینگی و ناترازی تولید مواجهند، این سازوکار نه‌تنها کمکی به حل مشکلات نکرده، بلکه بر پیچیدگی‌ها افزوده است.

در چنین شرایطی، بازنگری در سیاست‌گذاری بازار خودرو ضروری است؛ رویکردی که بتواند هم شفافیت را حفظ کند، هم عدالت در دسترسی را تضمین کند و هم به تولیدکننده امکان برنامهریزی و توسعه بدهد. یکی از راهکارهای پیشنهادی؛ بازگشت به سازوکار فروش مستقیم با نظارت هوشمند است؛ ایجاد سامانه‌های شفاف فروش، با احراز هویت خریداران واقعی و حذف واسطه‌ها، می‌تواند عدالت در دسترسی را افزایش دهد و از سوداگری جلوگیری کند. همچنین تعیین محدوده قیمتی و منطقی و الزام خودروسازان به عرضه مستمر، می‌تواند تعادل بازار را حفظ کند.

در کنار این اقدامات، توسعه ابزارهای مالی برای خرید اقساطی، استفاده از مدل‌های لیزینگ و حمایت از مصرف‌کننده نهایی، می‌تواند قدرت خرید خانوارها را افزایش داده و تقاضای واقعی را تقویت کند. همچنین تقویت تولید داخل و کاهش وابستگی به واردات قطعات، از طریق حمایت از زنجیره تأمین داخلی، می‌تواند هزینه تولید را کاهش داده و عرضه خودرو را پایدارتر کند.

در نهایت، بازار خودرو نیازمند سیاستی متوازن است؛ سیاستی که نه در خدمت سوداگران باشد، نه تولیدکننده را در تنگنا قرار دهد و نه مصرف‌کننده را از حق دسترسی منصفانه محروم کند. تنها با چنین رویکردی می‌توان به سمت بازاری شفاف، پایدار و عادلانه حرکت کرد و اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری اقتصادی را تقویت کرد.

البته در شرایط فعلی که بازار خودرو با رکود نسبی مواجه‌است، عرضه خودرو در بورس کالا نه‌تنها نمی‌تواند به طور مؤثر تقاضا را تحریک کند، بلکه ممکن است به پیچیدته‌تر شدن وضعیت بازار منجر شود. رکود در بازار خودرو معمولاً ناشی از ترکیبی از عوامل است: کاهش قدرت خرید خانوارها، افزایش نرخ بهره، نوسانات

گروه اقتصادی: در دیدار اخیر اعضای هیأت دولت با رهبر معظم انقلاب، تأمین به‌موقع و کامل کالاهای اساسی به عنوان یکی از اولویت‌های حیاتی کشور مورد تأکید قرار گرفت. ایشان با هشدار نسبت به انحصار در واردات و ضرورت تثبیت قیمت اقلام ضروری، خواستار اصلاحات ساختاری در سیاست‌های تأمین و توزیع کالاهای اساسی شدند؛ موضوعی که می‌تواند مسیر جدیدی برای عدالت اقتصادی و کاهش فشار معیشتی بر مردم ترسیم کند.

در شرایطی که فشارهای اقتصادی و نوسانات قیمتی، معیشت دهک‌های پایین جامعه را تحت تأثیر قرار داده، رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با اعضای هیأت دولت، بر ضرورت تأمین کامل و به‌موقع کالاهای اساسی تأکید کردند. این مطالبه، نه‌تنها یک خواسته اجتماعی، بلکه مأموریتی ملی برای دولت در مسیر حفظ ثبات اقتصادی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است. همچنین یکی از محورهای مهم این دیدار، نقد انحصار در واردات کالاهای اساسی بود. ایشان با اشاره به اینکه تمرکز واردات

در دست تعداد محدودی از بازرگان، موجب محدود شدن اختیارات دولت و افزایش هزینه‌های تأمین کالا شده، خواستار شکستن این انحصار و حرکت به سوی رقابت‌پذیری شدند. تنوع‌بخشی به واردکنندگان و استفاده از مبادی مختلف تأمین، نه‌تنها می‌تواند قیمت ارزی خرید را کاهش دهد، بلکه در نهایت منجر به تعدیل قیمت رتالی کالاهای در بازار داخلی خواهد شد.

در ادامه، موضوع تثبیت قیمت کالاهای اساسی نیز به‌عنوان راهکاری عملی برای کاهش دغدغه‌های معیشتی مردم مطرح شد. پیشنهاد مشخص ایشان، تعیین حدود ۱۰ قلم کالای اساسی و تثبیت قیمت آنهاست؛ اقدامی که در صورت اجرا، می‌تواند آرامش روانی و اقتصادی قابل توجهی برای خانوارها به همراه داشته باشد. در همین راستا، طرح کالابرگ الکترونیک نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای اجرایی این سیاست مورد اشاره قرار گرفت. دولت وعده داده امسال طرح کالابرگ را به صورت ماهانه به‌رای ۷ دهک جامعه اجرایی کند اما تاکنون فقط ۲ نوبت تخصیص یافته و قرار شده از این به بعد به صورت مرتب کالابرگ تخصیص داده شود.

اجرای موفق این سیاست، مستلزم طراحی دقیق سازوکارهای

گزارش «وطن امروز» از عدم موفقیت سیاست عرضه خودرو در بورس کالا

باهدف حمایت از مصرف‌کننده

حمایت بدون رضایت!

خودرو از بورس و فروش آن در بازار آزاد کرده‌اند. این رفتار، نه‌تنها به افزایش قیمت‌ها دامن زده، بلکه عملاً نقش واسطه‌ها را تقویت کرده است.

در مجموع، عرضه خودرو در بورس کالا به‌دلیل ضعف در طراحی اجرایی، عدم تناسب با ظرفیت تولید و نبود زیرساخت‌های حمایتی، نتوانسته به نفع مصرف‌کننده عمل کند. این سیاست اگرچه با نیت اصلاح بازار آغاز شد اما در غیاب یک برنامه جامع و هماهنگ، به ابزاری برای تشدید نابرابری و افزایش فشار اقتصادی بر خانوارها تبدیل شده است.

بازنگری در این سیاست مستلزم توجه به اصول عدالت در دسترسی، کنترل قیمت نهایی، افزایش عرضه متناسب با تقاضا و طراحی سازوکارهایی برای جلوگیری از سوداگری است. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود بورس کالا به جای تبدیل شدن به بستری برای رقابت غیرسازنده، به ابزاری مؤثر در خدمت تنظیم بازار و حمایت از مصرف‌کننده بدل شود.

گرچه عرضه خودرو در بورس کالا با هدف اصلاح سازوکار فروش، حذف واسطه‌گری و شفاف‌سازی قیمت‌ها آغاز شد اما در عمل نتوانست به اهداف اولیه خود دست یابد، حتی خودروسازان نیز با چالش‌های جدی در اجرای این سیاست مواجه شده‌اند. در حالی که انتظار می‌رفت این سازوکار بتواند عدالت در دسترسی و تعادل در بازار را تقویت کند، شواهد نشان می‌دهد نه قیمت‌ها کنترل شده، نه دسترسی عمومی بهبود یافته و نه تولیدکنندگان از این فرآیند رضایت دارند.

از منظر مصرف‌کننده، قیمت پایه خودروها در بورس، در رقابت میان متقاضیان به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد و با احتساب مالیات، کارمز، بیمه و هزینه‌های جانبی، قیمت تمام‌شده برای خریدار از نرخ بازار آزاد نیز فراتر می‌رود. در سوی دیگر، خودروسازان نیز با این سازوکار چندان موافق نیستند. نخست آنکه در بورس کالا، قیمت نهایی خودرو خارج از کنترل تولیدکننده تعیین می‌شود و این موضوع، آنها را در معرض انتقاد عمومی قرار می‌دهد، در حالی که نقشی در تعیین قیمت نهایی ندارند. دوم، عرضه محدود و نوبتی خودرو در بورس با ماهیت تولید انبوه و برنامهریزی‌شده خودروسازان همخوانی ندارد و موجب اختلال در برنامهریزی فروش و تولید می‌شود. سوم، پیچیدگی‌های اجرایی و الزامات قانونی بورس کالا، بار اداری و مالی مضاعفی بر دوش شرکت‌ها گذاشته و در شرایطی که

گروه اقتصادی: در حالی که عرضه خودرو در بورس کالا با هدف شفاف‌سازی قیمت‌ها و حذف واسطه‌گری آغاز شد، بررسی‌های میدانی و داده‌های بازار نشان می‌دهد این سیاست نه‌تنها به کاهش قیمت‌ها منجر نشده، بلکه در عمل به زیان مصرف‌کنندگان تمام شده است. افزایش هزینه‌های خرید، محدودیت دسترسی و تشدید شکاف میان عرضه و تقاضا، از جمله پیامدهای این سیاست‌گذاری بوده که نیازمند بازنگری جدی است.

عرضه خودرو در بورس کالا، یکی از سیاست‌هایی بود که با هدف اصلاح سازوکار فروش، حذف رانت و واسطه‌گری و ایجاد شفافیت در قیمت‌گذاری اجرایی شد. این طرح در ابتدا با استقبال برخی نهادهای نظارتی و اقتصادی مواجه شد و امید می‌رفت که بتواند به تعادل بازار و حمایت از مصرف‌کننده منجر شود اما در عمل، نتایج حاصل از اجرای این سیاست، فاصله قابل توجهی با اهداف اولیه دارد.

نخستین چالش، افزایش هزینه نهایی خرید برای مصرف‌کننده است. در فرآیند عرضه در بورس، قیمت پایه خودروها با نرخ‌های رسمی اعلام می‌شود اما در رقابت میان متقاضیان، قیمت نهایی به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. این افزایش، در کنار هزینه‌های جانبی مانند مالیات، کارمزد معاملات، بیمه و هزینه‌های نقل و انتقال، باعث شده قیمت تمام‌شده برای مصرف‌کننده از نرخ بازار آزاد نیز فراتر رود.

دوم، محدودیت دسترسی به خودرو برای عموم مردم، یکی دیگر از پیامدهای این سیاست است. عرضه محدود در کنار تقاضای بالا، موجب شده تنها درصد اندکی از متقاضیان موفق به خرید خودرو از بورس شوند. این موضوع نه‌تنها عدالت در دسترسی را زیر سؤال برده، بلکه زمینه‌ساز نارضایتی عمومی و افزایش تقاضای غیررسمی در بازار آزاد شده است.

سوم، عدم تطابق عرضه با نیاز واقعی بازار، موجب تشدید شکاف میان عرضه و تقاضا شده است. تولید محدود خودروسازان، در کنار سیاست‌های کنترلی در عرضه، باعث شده بورس کالا نتواند نقش مؤثری در تنظیم بازار ایفا کند. در نتیجه بازار آزاد همچنان به عنوان مرجع اصلی قیمت‌گذاری باقی مانده و بورس کالا نتوانسته جایگزین مؤثری برای آن باشد.

چهارم، حذف واسطه‌گری و دلالتی که از اهداف اصلی این سیاست بود، در عمل محقق نشده است. با توجه به محدودیت عرضه و رقابت شدید، برخی افراد با هدف کسب سود، اقدام به خرید